

Original Article

The Effect of Concurrent Exercise on PYY and NPY Plasma Levels in Obese Men

Hassan Faraji^{1*}, Amir Taghipoor Asrami², Seyedeh Fatemeh Jalali³, Fermesk Enferadi⁴

1. Instructor, Department of Physical Education and Sports Science, Marivan Branch, Islamic Azad University, Marivan, Iran
2. Instructor, Sama Technical and Vocational Training College, Ghaem Shahr Branch, Islamic Azad University, Ghaem Shahr, Iran
3. Teacher, Sari Education Office (District One), Sari, Iran
4. Teacher, Marivan Education Office, Marivan, Iran

Corresponding Author: Hassan Faraji, Instructor, Marivan Branch, Islamic Azad University, Marivan, Iran

Email: h.faraji@iaumarivan.ac.ir

Received: 10 January 2015

Revised: 9 April 2016

Accepted: 20 April 2016

ABSTRACT

Background & Objectives: Lifestyle modification through healthy diets and sufficient physical activity plays a pivotal role in the improvement of overall health. This study aimed to evaluate the effects of a single session of concurrent exercise on the plasma levels of peptide YY (PYY) and neuropeptide Y (NPY) in obese young men.

Material and Methods: In total, 24 obese young men with mean age of 20.81 ± 2.56 years, body weight of 89.42 ± 11.37 kg, height of 172 ± 5.38 cm, and body fat percentage of 27.67 ± 4.68 were voluntarily enrolled in this study. Intervention was carried out using a crossover design including a single session of concurrent exercise (seven resistance exercises with 60% intensity of one RM). Afterwards, the participants paddled on a cycle ergometer for 30 minutes at 60% HR-max. Venous blood samples were collected before, immediately after, and one hour after the intervention in order to assess the plasma levels of PYY and NPY.

Results: In this study, a single session of concurrent exercise significantly increased the plasma levels of PYY ($P=0.013$) and NPY ($P=0.021$) after the intervention compared to before the exercise session.

Conclusion: According to the results of this study, increased plasma levels of PYY immediately after concurrent exercise could be effective in suppressing the appetite of obese young men. However, increased plasma NPY may have no effect on the stimulation of the consumed food since it is not able to cross the blood-brain barrier.

Keywords: Concurrent exercise, Peptide YY, Neuropeptide Y, Obesity

► **Citation:** Faraji H, Taghipoor Asrami A, Jalali SF, Enferadi F. Effects of Concurrent Exercise on the Plasma Levels of PYY and NPY in Obese Men. *Tabari J Prev Med.* Spring 2016; 2(1):48-58.

اثر فعالیت ورزشی موازی بر سطوح پلاسمایی PYY و NPY در مردان چاق

حسن فرجی^{۱*}، امیر تقی پور اسرمی^۲، سیده فاطمه جلالی^۳، فرمیسک انفرادی^۴

چکیده

سابقه و هدف: اصلاح سبک زندگی مبتنی بر تغذیه سالم و افزایش فعالیت بدنی بیشترین اهمیت را در سلامتی دارد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثرات یک جلسه فعالیت ورزشی موازی بر پپتید YY و نورروپپتید Y در مردان چاق جوان بود.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه، ۲۴ مرد چاق جوان (سن: ۲۰/۸۱±۲/۵۶، وزن: ۸۹/۲۴±۱۱/۳۷، قد: ۱۷۲±۵/۸۳ سانتی‌متر و چربی بدن ۲۷/۶۷±۴/۶۸ درصد) به‌طور داوطلبانه شرکت کردند. آزمودنی‌ها به‌صورت طرح متقاطع در یک جلسه فعالیت ورزشی موازی روی هفت ایستگاه تمرین مقاومتی با شدت حدود ۶۰ درصد یک تکرار بیشینه پرداختند و سپس به مدت ۳۰ دقیقه با شدت ۶۰ درصد ضربان قلب بیشینه روی چرخ کارسنج پدال زدند. نمونه‌های خون سیاهرگی قبل، بلافاصله بعد و یک ساعت پس از فعالیت ورزشی جهت ارزیابی غلظت‌های PYY و NPY پلاسمایی گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که یک جلسه فعالیت ورزشی موازی به‌طور معناداری PYY (۰/۰۱۳) = P و NPY (۰/۰۲۱) = P پلاسمایی را پس از فعالیت نسبت به قبل فعالیت افزایش می‌دهد.

نتیجه‌گیری: غلظت افزایش یافته PYY بلافاصله پس از فعالیت ورزشی موازی ممکن است بر سرکوب اشتهای مردان چاق جوان اثرگذار باشد. همچنین افزایش یافته پلاسمای احتمالاً موجب تحریک غذای مصرفی نمی‌شود؛ چون نمی‌تواند از دیواره مغزی-خونی عبور کند.

واژه‌های کلیدی: پپتید YY، چاقی، فعالیت ورزشی موازی، نورو پپتید Y

۱. مربی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مریوان، دانشگاه آزاد اسلامی، مریوان، ایران
۲. مربی آموزشکده فنی و حرفه ای سما، واحد قائم شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم شهر، ایران
۳. مربی آموزش و پرورش ناحیه ۱ ساری، ساری، ایران
۴. مربی آموزش و پرورش مریوان، آموزش و پرورش مریوان، مریوان، ایران

نویسنده مسئول: حسن فرجی، مربی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد مریوان، دانشگاه آزاد اسلامی، مریوان، ایران

پست الکترونیک:

h.faraji@iaumarivan.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰

اصلاحیه: ۱۳۹۵/۱/۲۱

ویراستاری: ۱۳۹۵/۲/۱

مقدمه

با تغییر سبک زندگی و افزایش کم‌حرکی، مشکلات فیزیولوژیکی، پاتولوژیک و اقتصادی وابسته به چاقی در تمام کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای در حال توسعه رو به فزون است و این معضل یکی از تهدیدات بزرگ سلامتی قرن ۲۱ در دنیا محسوب می‌شود. به‌طور عمده چاقی ناشی از افزایش انرژی دریافتی همراه با کاهش انرژی مصرفی است که این به‌هم خوردن تعادل انرژی منجر به افزایش وزن بدن می‌گردد؛ بنابراین منطقی است که با کاهش انرژی ورودی و افزایش انرژی مصرفی می‌توان وزن را کاهش داد. نقش فعالیت ورزشی در پیشگیری از افزایش، کنترل و کاهش چربی بدن به‌خوبی مشخص است و در این خصوص فعالیت ورزشی تعادل انرژی منفی را از طریق افزایش انرژی مصرفی و تعدیل هورمون‌های مربوط به اشتها ایجاد می‌کند که این امر می‌تواند استراتژی مهمی در خصوص کاهش چربی بدن باشد (۱-۴).

در برخی مطالعات نقش ورزش در تعدیل اشتها بررسی شده است و معدود مطالعاتی گزارش کرده‌اند که احتمالاً ورزش می‌تواند با اثرگذاری بر هورمون‌های مربوط به اشتها و تغییر انرژی دریافتی به کاهش وزن کمک کند (۵). در تعدادی از مطالعات مشاهده شده که فعالیت ورزشی حاد موجب سرکوب موقتی اشتها می‌شود که به این پدیده کم‌اشتهایی (Anorexia) ناشی از فعالیت ورزشی می‌گویند (۲). در حقیقت اشتها یک مفهوم ذهنی است که برای توصیف کنترل دریافت غذا استفاده می‌شود و می‌تواند به‌عنوان دامنه‌ای از متغیرهای مرتبط با مصرف غذا که رفتار دریافت غذای طبیعی را پیش‌بینی می‌کند، تعریف شود (۶). در سطح فیزیولوژیک، اشتها و دریافت غذا توسط مغز، هورمون‌های ترشح‌شده از بخش‌های معده‌ای-روده‌ای، غدد لوزالمعده و فوق کلیه و بافت چربی کنترل می‌شوند (۷). اکنون به‌خوبی روشن شده است که بخش هیپوتالاموس مغز نقش کلیدی در تنظیم رفتار خوردن در آزمودنی‌های انسانی بازی می‌کند و به‌طور ثابت سیگنال‌های عصبی، هورمونی و

متابولیک را از محیط دریافت و پردازش می‌کند و توانایی همسو کردن انرژی دریافتی و انرژی مصرفی را نیز دارد (۲). فاکتورهای مهمی که اشتها را در محور روده-مغز کنترل می‌کنند شامل: پپتیدهای روده‌ای گرلین، کالی سیستوکینین (Cholecystokinin: CCK)، پپتید وای وای (Peptide YY: PYY)، نوروپپتید Y (Neuropeptide Y: NPY)، پپتید شبه گلوکاگون ۱ (Glucagon-like peptide-1: GLP-1) و پلی‌پپتید پانکراسیک (Pancreatic polypeptide: PP) هستند (۵). برخی از آن‌ها موجب افزایش میل به غذاخوری و برخی دیگر سبب سرکوب اشتها می‌شوند. در سال‌های اخیر تمرکز بیشتر مطالعات روی PYY بوده است؛ زیرا اثرات قوی‌تری روی سرکوب اشتها نسبت به بقیه دارد (۸،۹). این هورمون علاوه بر کاهش اشتها، در افزایش انرژی مصرفی بدن نیز درگیر است؛ در صورتی که دیگر هورمون‌های ضد اشتها این تأثیر را ندارند (۹،۱۰). در حقیقت PYY عمدتاً توسط سلول‌های L اندوکرین انتهایی روده ترشح می‌شود و اثر خود را بر هسته‌های کمانی در هیپوتالاموس توسط اتصال به گیرنده‌های Y2 نوروپپتید Y اعمال می‌کند که باعث سرکوب اشتها، کاهش انرژی دریافتی و افزایش انرژی مصرفی بدن می‌شود (۸). از طرفی، NPY یکی از نوروپپتیدهای اصلی تنظیم‌کننده اشتها و هموستاز انرژی است. افزایش مقادیر NPY هیپوتالاموس باعث بهبود اشتها و افزایش غذای دریافتی می‌شود و به‌طور عمده NPY گردش خون از سیستم عصبی سمپاتیکی-فوق کلیه-خاعی (-Sympatho-adrenomedullary nervous system) منشأ می‌گیرد (۱۱). با وجود این، پلاکتها، لنفوسیتها، سلولهای اندوتلیال و سلول‌های عضله صاف ممکن است در غلظت پلاسمایی NPY نقش داشته باشند (۱۲).

اگرچه در برخی مطالعات قبلی گزارش شده است که تمرین ورزشی طولانی‌مدت روی سطوح استراحتی (۱۵-۱۰۳) و بیان ژن (۱۶) فاکتورهای مذکور مرتبط با اشتها می‌تواند تأثیرگذار باشد؛ اما تا به حال مطالعات اندکی در خصوص اثر فعالیت حاد ورزشی روی این عوامل صورت

بر متغیرهای ذکر شده بررسی نشده است. امروزه افراد زیادی به انجام تمرینات موزنی روی آورده‌اند و اخیراً نقش فعالیت ورزشی موزنی در کاهش وزن و بهبود ترکیب بدنی بیشتر از تمرین تنه‌ای استقامتی یا مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر یک جلسه فعالیت ورزشی موزنی بر سطوح پلاسمایی PYY و NPY در مردان چاق جوان می‌باشد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع نیمه‌تجربی و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان پسر غیرورزشکار چاق دانشگاه سما شهر ساری بوده است. از بین ۳۰ نفر افراد داوطلب، ۲۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند (جدول ۱). به منظور کاهش تغییرات در واکنش‌های هورمونی، جامعه آماری فقط شامل پسران و افراد غیرورزشکار بودند. آزمودنی‌ها با سابقه بیماری خاص، ورزشکار، مصرف‌کننده دارو یا مکمل ورزشی در ۶ ماه قبل، از پژوهش حذف شدند. پس از کسب رضایت کتبی از آزمودنی‌ها، جزئیات کار برای افراد تشریح شده و از آن‌ها خواسته شده بود که از خوردن کافئین و سایر مواد مدر به مدت ۲۴ ساعت قبل از دستور کار اجرایی خودداری کنند.

آزمودنی‌ها طی سه هفته به یکی از سالن‌های بدنسازی شهر ساری فرا خوانده شدند. در هفته اول، عوامل ترکیب بدنی آزمودنی‌ها با استفاده از دستگاه تحلیل‌کننده ترکیب بدن (InBody 3.0) اندازه‌گیری گردید. در جلسه‌های دیگر، آزمون یک تکرار بیشینه (RM1) برای حرکات پرس سینه، سرشانه دستگاه، پایین کشیدن میله لت، پارویی، پرس پا، خم کردن پا از پشت و باز کردن پا از جلو اجرا شد. آزمون یک تکرار بیشینه براساس فرمول Brzycki مشخص گردید (۲۳). سپس در جلسه‌های جداگانه آزمودنی‌ها با دستور

گرفته و با این وجود نیز نتایج آن‌ها همسو نیستند (۲۰-۱۶، ۵). در مطالعه‌ای اثرات یک جلسه فعالیت ورزشی تا سر حد خستگی بر پپتید PYY و فاکتور رشد شبه انسولین (IGF-1) در ۳۱ جوان کشتی‌گیر بررسی شد. در این مطالعه فعالیت ورزشی روی چرخ کارسنج با مقاومت ۵۰ W به مدت ۵ دقیقه که توان خروجی آن هر ۳ دقیقه ۳۰ W تا خستگی ارادی فرد افزایش پیدا می‌کرد، موجب افزایش PYY و IGF-1 بلافاصله پس از فعالیت شد (۱۸). Larson-Meyer و همکاران، عدم افزایش سطوح PYY پس از ۶۰ دقیقه دویدن با شدت ۷۰ درصد حداکثر اکسیژن مصرفی در زنان دوندۀ میانسال را گزارش کردند (۱۹). در مطالعه‌ای Ueda و همکاران (۲۰۱۳) نیز، تغییر معناداری در سطوح پلاسمایی PYY پس از ۶۰ دقیقه فعالیت روی چرخ کارسنج با شدت ۶۵ درصد حداکثر اکسیژن مصرفی در زنان میانسال مشاهده نکردند (۲۰)؛ اما Russell و همکاران (۲۰۰۹)، اثر دویدن استقامتی و رژیم چربی بر گرلین و PYY گردش خون را مورد بررسی قرار دادند (۲۱). آن‌ها گزارش کردند که بعد از فعالیت، PYY، GH و گرلین به‌طور معناداری افزایش یافته است. در خصوص واکنش NPY پلازما به فعالیت حاد ورزشی نیز تنها چهار مطالعه یافته شد که دو مطالعه از آنان با بررسی اثر فعالیت حاد ورزشی روی چرخ کارسنج افزایش سطوح NPY را گزارش کردند (۶، ۲۱) و در یک مطالعه فعالیت ورزشی مقاومتی موجب افزایش سطوح NPY شده بود (۱۶)؛ در حالی که در تحقیقی دیگر مشاهده شد که فعالیت روی تردمیل موجب کاهش NPY پلاسمایی می‌شود (۲۲). با وجود مطالعات اندک در خصوص بررسی اثر فعالیت حاد استقامتی و مقاومتی بر سطوح PYY و NPY و عدم همخوانی نتایج مطالعات مذکور، هنوز در هیچ مطالعه‌ای اثر تمرین موزنی (ترکیب استقامتی و مقاومتی در یک جلسه)

جدول ۱: ویژگی‌های توصیفی آزمودنی‌ها (میانگین ± انحراف معیار)

سن (سال)	قد (Cm)	وزن (Kg)	شاخص توده بدن (kg/m ²)	درصد چربی
۲۰/۸۱ ± ۲/۵۶	۱۷۲/۱۱ ± ۵/۳۸	۸۹/۴۲ ± ۱۱/۳۷	۳۰/۲۲ ± ۴/۱	۲۷/۶۷ ± ۴/۶۸

جدول ۲: مقدار کربوهیدرات، پروتئین، چربی و انرژی دریافتی، سه روز قبل از فعالیت ورزشی موازی

متغیر رژیم غذایی	میانگین ± انحراف استاندارد
انرژی دریافتی (Kcal)	۲۲۹۴/۰۷ ± ۷۱/۲۳
پروتئین (g)	۸۸/۸۲ ± ۲۳/۵۴
کربوهیدرات (g)	۳۱۲/۲۸ ± ۸۵/۳۵
چربی (g)	۷۶/۶۳ ± ۳۸/۲۷

کار اصلی تمرین مقاومتی شامل سه نوبت (ست) ۱۰ تکراری با وزنه ۶۰ درصد یک تکرار بیشینه آشنا شدند.

$$\text{وزنه ی جا به جا شده (کیلوگرم)} = \frac{\text{یک تکرار بیشینه}}{۱/۰۲۷۸ * (\text{تعداد تکرار تا خستگی}) - ۱/۰۲۷۸}$$

برای اندازه گیری دریافت انرژی و کنترل تغذیه آزمودنی ها از فرم ثبت رژیم غذایی روزانه استفاده گردید. پس از راهنمایی کامل افراد برای ثبت رژیم غذایی روزانه، از آن ها خواسته شد تا کلیه مواد غذایی مصرفی خود را به مدت سه روز در فرم های مخصوص ثبت نمایند. از آنجا که مواد غذایی مصرف شده در روز قبل از انجام نمونه گیری خون حائز اهمیت است، از آزمودنی ها خواسته شد تا اتمام دوره تحقیق رژیم غذایی خود را در همین محدوده حفظ کنند و آن را تغییر ندهند (تجزیه و تحلیل این اطلاعات با استفاده از نرم افزار Nutrition 4 انجام شد) (جدول ۲).

آزمودنی ها در دو جلسه عملی به اجرای فعالیت ورزشی پرداختند. در جلسه اول پس از مراجعه آن ها به سالن ورزشی در ساعت ۸، بعد از ۱۰ دقیقه استراحت از آن ها نمونه خونی گرفته شد (به عنوان نمونه قبل از فعالیت ورزشی)، سپس به صرف صبحانه از پیش آماده شده استاندارد پرداختند (۵۶۰ Kcal) و پس از دو ساعت استراحت و در ساعت ۱۰:۳۰، شروع به اجرای فعالیت ورزشی مشخص شده خود پرداختند. در شروع آن، آزمودنی ها پس از پنج دقیقه گرم کردن عمومی بدن، به اجرای برنامه تمرین مقاومتی پرداختند که شامل: سه نوبت ۱۰ تکراری پرس سینه، سرشانه دستگاه، پایین کشیدن میله لت، پارویی، پرس پا، خم کردن پا از پشت و باز کردن پا

از جلو با وزنه ۶۰ درصد یک تکرار بیشینه بود. سپس فعالیت استقامتی انجام دادند و بر روی چرخ ارگومتر (Monark 839 E) به مدت ۳۰ دقیقه با شدت ۶۰ درصد ضربان قلب بیشینه پدال زدند. قبل از انجام دوره، در هر فرد مقاومت مورد نظر در شدت ۶۰ درصد ضربان قلب بیشینه چرخ کارسنج محاسبه شده بود و بر این اساس رکاب می زدند. ضربان قلب مورد نظر آزمودنی ها در حین تمرین استقامتی توسط تلمتری ضربان قلب اندازه گیری شد. آزمودنی ها در جلسه آزمون، در یک طرح متقاطع (Cross-over design) به صورت تصادفی به دو گروه تقسیم شدند (۱۸،۲۴)؛ به طوری که گروه اول هیچ گونه فعالیتی را انجام نمی دادند و به عنوان کنترل، نمونه خون آن ها جهت تعیین تغییرات روزانه جمع آوری شد و گروه دوم فعالیت موازی را انجام دادند که قبل از فعالیت، بلافاصله بعد و یک ساعت پس از فعالیت، نمونه خون این گروه جمع آوری گردید. در جلسه دوم با فاصله یک هفته از جلسه قبلی جای گروه ها عوض شد و این بار گروه اول فعالیت موازی انجام دادند و گروه دوم به استراحت می پرداختند و به عنوان کنترل استفاده می شدند. نمونه های خون مانند جلسه قبل جمع آوری گردیدند.

نمونه های خون با استفاده از سرنگ ۵ میلی لیتری و از سیاهرگ بازویی جمع آوری گردید. پس از جمع آوری لوله های حاوی خون و ماده ضد انعقاد EDTA، به آزمایشگاه منتقل و در آنجا با استفاده از دستگاه سانتریفوژ با سرعت ۳۰۰۰ دور در دقیقه، پلاسماي خون جداسازی گردید. پلاسماي جدا شده در دمای ۲۰- درجه سانتیگراد تا روز آنالیز نمونه ها نگهداری شد. غلظت پلاسماي PYY و NPY توسط روش الایزا و به صورت سه تایی، با کیت معتبر (USCN Life Science Inc) و با حساسیت بالا مورد اندازه گیری قرار گرفت.

برای توصیف متغیرها، آمار توصیفی و برای بررسی توزیع طبیعی داده ها، آزمون شاپیرو-ویلک مورد استفاده قرار گرفت. همچنین از آمار استنباطی آنوای دوطرفه با اندازه گیری مکرر و آزمون تعیبی توکی استفاده شد. نتایج پژوهش در سطح آماری $P < 0/05$ و با کمک نرم افزار آماری SPSS 19 بررسی گردید.

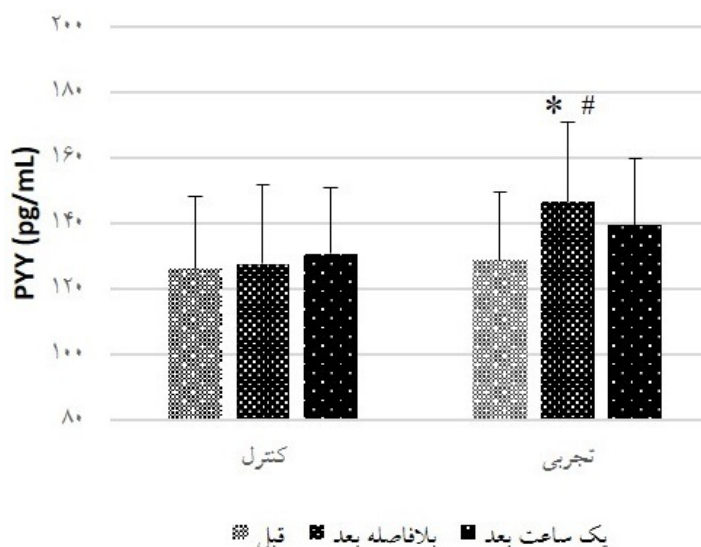
نتایج

با توجه به نتایج آزمون شاپیرو-ویلک، داده‌های به‌دست آمده دارای توزیع طبیعی بودند و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود داشت. اختلاف معناداری بین هیچ‌یک از متغیرهای دو گروه تجربی و کنترل در اندازه‌گیری‌های پیش‌آزمون مشاهده نشد ($P > 0/05$). سطح پلاسمایی PYY بلافاصله پس از فعالیت در گروه تجربی با مقدار $14/04 \pm 1/14$ درصد، به‌طور معناداری نسبت به قبل فعالیت افزایش داشت ($P = 0/013$) که پس از یک ساعت کاهش یافت (شکل ۱). سطح NPY با افزایش معناداری $25/61 \pm 3/95$ درصد بلافاصله بعد از فعالیت نسبت به سطوح استراحتی دارد ($P = 0/021$) که پس از یک ساعت به سطوح استراحتی نزدیک شد (شکل ۲). تغییر معناداری در سطوح PYY و NPY در هیچ‌کدام از زمان‌های اندازه‌گیری گروه کنترل مشاهده نشد ($P > 0/05$).

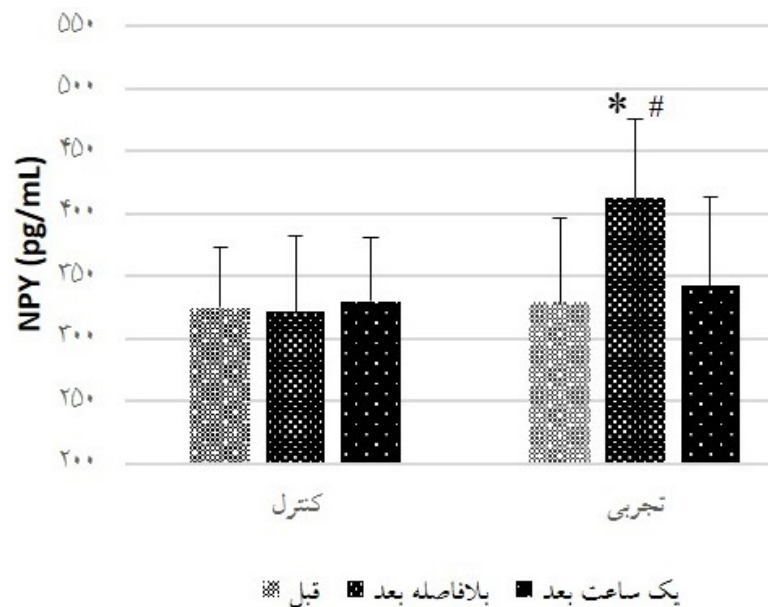
بحث و نتیجه‌گیری

مکانیسم‌های متفاوتی بر سیستم پیچیده تنظیم اشتها و تعادل انرژی عمل می‌کنند. PYY یک پپتید ضد اشتها می‌باشد که باعث سرکوب اشتها، کاهش انرژی دریافتی و

افزایش انرژی مصرفی بدن می‌شود (۸). پیشنهاد شده است که فعالیت ورزشی با اعمال تغییرات هورمونی و متابولیکی بر کاهش اشتها اثر دارد و از این طریق با برهم زدن تعادل انرژی ورودی و خروجی بدن به نفع کاهش انرژی ورودی در کاهش چربی و وزن بدن نقش داشته باشد (۲)؛ بنابراین در پژوهش حاضر، اثر یک وهله فعالیت موازی بر غلظت سرمی هورمون PYY در مردان چاق جوان مورد بررسی قرار گرفت تا از اثرات احتمالی این نوع فعالیت ورزشی بر سطوح هورمون‌هایی که مرتبط با اشتها می‌باشند آگاه شویم. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که یک وهله فعالیت موازی افزایش معناداری در غلظت هورمون PYY بلافاصله پس از فعالیت موازی نسبت به قبل از فعالیت ایجاد نموده است ($14/04 \pm 1/14$ درصد، $P = 0/013$). نتایج پژوهش حاضر، همسو با یافته‌های فرجی و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد که افزایش معنادار سطح هورمون PYY را به دنبال پدال زدن بر روی ارگومتر تا سرحد واماندگی در ورزشکاران کشتی‌گیر جوان مشاهده کردند (۱۸). همچنین یافته‌های این پژوهش، همسو با نتایج Martins و همکاران (۲۰۰۷) می‌باشد که اثر فعالیت هوازی با شدت متوسط (۶۰ دقیقه فعالیت بر روی



شکل ۱: غلظت پلاسمایی PYY قبل فعالیت، بلافاصله و یک ساعت پس از فعالیت ورزشی موازی.
* تفاوت معنادار با قبل از فعالیت ($P < 0/05$)
تفاوت معنادار با گروه کنترل ($P < 0/05$)



شکل ۲: غلظت پلاسمایی NPY قبل فعالیت، بلافاصله و یک ساعت پس از فعالیت ورزشی موازی
* تفاوت معنادار با قبل از فعالیت ($P > 0.05$)
تفاوت معنادار با گروه کنترل ($P > 0.05$)

فعالیت، گرلین کاهش یافت (۱۷ درصد) و انسولین و PYY افزایش یافتند (۱۵۷ درصد و ۴۰ درصد). بعد از فعالیت، PYY، GH و گرلین به طور معناداری افزایش نشان داد. Ueda و همکاران (۲۰۰۹) نیز در قالب دو مطالعه گزارش کردند که سطوح پلاسمایی PYY پس از فعالیت روی چرخ کارسنج با شدت ۵۰ درصد حداکثر اکسیژن مصرفی در مردان چاق جوان افزایش یافته است. آن‌ها همچنین سرکوب اشتها و آزمودنی‌ها را در این مدت گزارش کردند (۲۵،۲۶). حسینی و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای روی ۱۸ مرد جوان که فعالیت مقاومتی حاد را با شدت ۵۰، ۶۵ و ۸۰ درصد یک تکرار بیشینه انجام داده بودند، مشاهده نمودند که میزان PYY آزمودنی‌ها پس از فعالیت با شدت ۸۰ درصد یک تکرار بیشینه، به طور معناداری افزایش یافته است (۲۷). با وجود این Ueda و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای تغییر معناداری در سطوح پلاسمایی PYY پس از ۶۰ دقیقه فعالیت روی چرخ کارسنج با شدت ۶۵ درصد حداکثر اکسیژن مصرفی در زنان میانسال مشاهده نکردند (۲۰). همچنین Larson-Meyer و همکاران گزارش کردند که سطوح PYY

چرخ کارسنج با ۶۵ درصد حداکثر ضربان قلب) پس از صرف صبحانه بر هورمونهای تنظیم‌کننده اشتها در افراد با وزن و شاخص توده بدنی طبیعی را مورد بررسی قرار دادند (۲۴). نتایج آن‌ها نشان داد که میانگین سطوح PYY، GLP-1 و PP به طور معناداری پس از فعالیت ورزشی افزایش یافت. Broom و همکاران (۲۰۰۹) نیز، به بررسی اثر فعالیت هوازی و مقاومتی بر سطوح گرلین آسپیل دار و PYY را در مردان سالم پرداختند. آن‌ها نشان دادند که مقدار گرلین آسپیل دار در هر دو گروه فعالیت هوازی و مقاومتی کاهش می‌یابد؛ ولی مقدار PYY تنها در گروه تمرین هوازی افزایش یافته بود (۱۷).

همچنین Rasell و همکاران در پژوهشی بر روی ۲۱ دوندگی استقامتی، اثر دویدن استقامتی و رژیم چربی بر گرلین و PYY گردش خون را مورد بررسی قرار دادند (۲۱). انسولین، گرلین، GH و PYY در تمام زمان‌ها به طور معناداری تغییر کردند؛ ولی از رژیم غذایی نپذیرفتند. گرلین در حالات ناشتا (روزهای ۴ و ۷) افزایش یافت؛ ولی انسولین و PYY کاهش یافتند. در طی وعده غذایی پیش از

فعالیت را تنظیم کند.

همچنان که قبلاً بیان شد PYY اثرات ضد اشتها می باشد، اعمال می کند و از میان آن‌ها Y_2 که در سیستم عصبی مرکزی، هسته‌های قاعده‌ای (Nodes ganglion) و آفران‌های واگی (Vagal afferents) مشاهده شده است، تمایل بیشتری برای اتصال به PYY دارد (۹). اگرچه در پژوهش حاضر مکانیسم دقیق سرکوب اشتها ناشی از افزایش هورمون PYY پس از فعالیت موزی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ اما با استناد به پژوهش‌های قبلی می توان اظهار داشت که سرکوب اشتها ناشی از افزایش هورمون PYY پس از فعالیت ورزشی مربوط به اثر این پپتید بر گیرنده‌های Y_2 در هیپوتالاموس می باشد که از طریق این گیرنده‌ها بیان NPY را در هسته‌های ارکات کاهش داده و از این طریق سنتز هورمون تحریک‌کننده اشتها یا NPY را در هیپوتالاموس مهار می کند (۲۴).

NPY یکی از نوروپپتیدهای اصلی تنظیم‌کننده اشتها و هموستاز انرژی است. افزایش مقادیر NPY هیپوتالاموس باعث بهبود اشتها و افزایش غذای دریافتی می شود. اگرچه سطوح پلاسمایی NPY نمی‌تواند نشانگر ترشح NPY مغزی باشد، به هرحال NPY گردش خون عمدتاً از سیستم عصبی سمپاتیکی-فوق کلیه-نخاعی (Sympatho-adrenomedullary nervous system) منشأ می‌گیرد؛ با این وجود پلاکت‌ها، لنفوسیت‌ها، سلول‌های اندوتلیال و سلول‌های عضله صاف ممکن است در غلظت پلاسمایی NPY نقش داشته باشند (۲۷، ۲۸). طبق یافته‌های پژوهش حاضر، غلظت پلاسمایی NPY به‌طور معناداری پس از فعالیت موزی در افراد چاق افزایش نشان داد ($3/95 \pm 25/61$ درصد، $P=0/021$). این نتایج همسو با یافته‌های پژوهش قبلی است که افزایش معنادار NPY پلاسمایی پس از فعالیت را بررسی نمودند (۱۶، ۳۱-۲۹).

از سوی دیگر، یافته‌های این پژوهش ناهمسو با یافته‌های Wang و همکاران (۲۰۰۸) می باشد که کاهش

پس از ۶۰ دقیقه دویدن با شدت ۷۰ درصد حداکثر اکسیژن مصرفی در زنان دوندۀ میانسال نسبت به قبل فعالیت بدون تغییر باقی مانده است (۱۹). اگرچه دلیل این اختلاف نتایج مشخص نیست؛ اما این ممکن است با تفاوت در جنسیت یا سن آزمودنی‌ها تفسیر شود؛ به‌طوری که در هر دو مطالعه مذکور از آزمودنی‌های زن میانسال استفاده شده است؛ در حالی که آزمودنی‌های مطالعه حاضر مردان جوان بودند.

اگرچه مکانیسم افزایش PYY پلازما پس از فعالیت ورزشی مشخص نیست و در هیچ پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ با وجود این، سطح PYY تحت تأثیر سیگنال‌هایی همانند اسید معده، کوله سیتوکینین و نمک‌های صفرای لومینال (Luminal bile salts)، فاکتور رشد شبه انسولین-۱ و پپتید وابسته به ژن کلسی تونین افزایش می‌یابد و تحت تأثیر پپتید شبه گلوکاگون-۱ کاهش پیدا می‌کند (۷).

در پژوهش حاضر، سطح PYY یک ساعت پس از فعالیت به سطح قبل از فعالیت موزی برگشت. همسو با این یافته، برخی از پژوهش‌های قبلی نیز گزارش کرده‌اند که سطح PYY پس از فعالیت حداکثر تا یک ساعت بعد از آن در سطح بالایی باقی مانده است (۱۸، ۲۴، ۲۶، ۲۸). با وجود این، در برخی پژوهش‌ها مشاهده شده که سطح PYY ۳ تا ۷ ساعت پس از ۵۰ دقیقه فعالیت موزی بر روی ارگومتر با ۶۰ درصد اکسیژن مصرفی بیشینه در سطح بالاتر از سطح قبل از فعالیت باقی مانده است (۵). هر چند برخی عوامل دیگر نظیر تفاوت‌های متغیرهای تمرینی، عادات غذایی، جنسیت، وضعیت چربی آزمودنی‌ها و اثرات نژادی ممکن است در تفسیر این نتایج اثرگذار باشد؛ اما احتمالاً اثر نسبتاً کوتاه‌مدت ورزش بر PYY در پژوهش حاضر به دلیل استفاده از تمرین موزی بوده و شاید تمرین موزی نسبت به تمرین موزی که در مطالعات قبلی از آن استفاده شده است، اثر کمتری در نگهداری سطوح بالا رفته PYY داشته باشد؛ به هرحال این یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که فعالیت حاد موزی بر سطح PYY تأثیر می‌گذارد که ممکن است اشتها به‌دنبال

سطوح پلاسمایی NPY را در موش های چاق پس از فعالیت ورزشی کوتاه مدت بر روی نوار گردان مشاهده کردند (۲۲). با وجود این، افزایش NPY هیپوتالاموسی در پژوهش مذکور مشاهده شد. آن ها اظهار داشتند که NPY افزایش یافته ی هیپوتالاموس، غذا خوردن را افزایش و مصرف انرژی را بعد از فعالیت کاهش می دهد که احتمالاً یک مکانیسم حمایتی است.

به طور عمده NPY گردش خون (پلاسمایی) از سیستم عصبی سمپاتو-آدرنومدولار، پلاکتها، لنفوسیتها، سلول های اندوتلیال و سلول های عضله صاف منشأ می گیرد و NPY هیپوتالاموس از هسته های ارکات هیپوتالاموس ترشح می شود؛ بنابراین مکانیسم عمل NPY گردش خون و هیپوتالاموس نیز متفاوت است. همچنین NPY گردش خون قادر به عبور از سد خونی-مغزی نمی باشد (۱۲)؛ بنابراین NPY گردش خون (پلاسمای) نمی تواند بر اشتها و دریافت مواد غذایی (تحریک اشتها) تأثیری داشته باشد و به نظر می رسد که NPY پلاسمای پس از فعالیت ورزشی به داخل جریان خون از انتهای عصب سمپاتیک عروق خون رها می شود و عمل تنگ کنندگی عروق (Vasoconstriction) نورآدرنالین را افزایش می دهد (۳۲).

به طور کلی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که غلظت پلاسمایی PYY پس از یک جلسه فعالیت موازی در جوانان چاق افزایش معنادار داشته است. فعالیت این پپتید احشائی سرکوب کننده اشتها هنوز به درستی شناخته نشده است؛ ولی به نظر می رسد که از طریق گردش خون مرکزی، PYY از سد خونی-مغزی عبور می کند و مستقیماً با گیرنده های Y_2 واکنش می دهد و اشتها را مهار می کند (۳۳،۳۴)؛ بنابراین افزایش غلظت پلاسمایی PYY پس از یک جلسه فعالیت موازی در جوانان چاق ممکن است در سرکوب اشتها نقش داشته باشد. با این وجود، افزایش معناداری در غلظت پلاسمایی هورمون نوروپپتید Y بلافاصله پس از فعالیت موازی در جوانان چاق ممکن است با سرکوب اشتها مرتبط نباشد؛ زیرا NPY پلاسمایی قادر به عبور از

سد خونی-مغزی نیست و قادر به تحریک اشتها نمی باشد و احتمالاً اثر تنگ کنندگی (Vasoconstrictive) و میتوژنیک (Mitogenic) بر عروق خونی اعمال می کند و به نظر می رسد در تنظیم فشار خون و آنژیوژنز (Angiogenesis) نیز نقش داشته باشد (۲۸،۳۲).

در نتیجه گیری کلی پژوهش حاضر می توان عنوان کرد که انجام یک فعالیت موازی با حداقل شدت ۶۰ درصد بیشینه موجب افزایش PYY که یک هورمون سرکوبگر اشتها در مردان چاق است، می شود. اگرچه درصدهای دیگر چربی، سن و جنسیت ممکن است بر واکنش هورمون مربوطه اثرگذار باشد؛ اما به طور کلی نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می کند که می توان از ورزش موازی نیز مثل انجام جداگانه ورزش هوازی یا مقاومتی در جهت سرکوب اشتها استفاده نمود. به هر حال NPY افزایش یافته پلاسمای احتمالاً موجب تحریک غذای مصرفی نیست؛ چون نمی تواند از دیواره مغزی-خونی عبور کند.

تشکر و قدردانی

از حمایت مالی حوزه معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر برای اجرای این تحقیق تشکر می گردد.

حمایت مالی

هزینه های طرح پژوهشی منتج به مقاله حاضر از سوی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر تامین گردید.

ملاحظات اخلاقی

طرح تجربی مقاله دارای تاییدیه کمیته اخلاق دانشگاه است.

تضاد منافع

تضاد منافع وجود ندارد.

References

- Martins C, Kulseng B, King NA, Holst JJ, Blundell JE. The effects of exercise-induced weight loss on appetite-related peptides and motivation to eat. *J Clin Endocrinol Metab* 2010; 95(4):1609-16.
- Stensel D. Exercise, appetite and appetite-regulating hormones: implications for food intake and weight control. *Ann Nutr Metab* 2010; 57(Suppl 2):36-42.
- Ghanbari Niaki A, Fathi R, Nasiri S, Mohammadi A, Remroudi S. The effect of 8 weeks endurance training on ghrelin, insulin, glucose and estrogen in male rats. *J Sport Sci* 2011; 6(12):73-82 (Persian).
- Jafari A, Ghanbari Niaki A, Moradi Cheleshtari M. Effects of 12-weeks endurance training on plasma ghrelin, liver energy and some hormones concentrations in wistar rats. *J Sport Sci* 2012; 16(8):15-28 (Persian).
- Cheng MH, Bushnell D, Cannon DT, Kern M. Appetite regulation via exercise prior or subsequent to high-fat meal consumption. *Appetite* 2009; 52(1):193-8.
- Wynne K, Stanley S, McGowan B, Bloom S. Appetite control. *J Endocrinol* 2005; 184(2): 291-318.
- Karra E, Chandarana K, Batterham RL. The role of peptide YY in appetite regulation and obesity. *J Physiol* 2009; 587(1):19-25.
- Chandarana K, Batterham R. Peptide YY. *Curr Opin Endocrinol Diabetes Obes* 2008; 15(1):65-72.
- Neary NM, Goldstone AP, Bloom SR. Appetite regulation: from the gut to the hypothalamus. *Clin Endocrinol (Oxf)* 2004; 60(2):153-60.
- Batterham RL, Cowley MA, Small CJ, Herzog H, Cohen MA, Dakin CL, et al. Gut hormone PYY(3-36) physiologically inhibits food intake. *Nature* 2002; 418(6898):650-4.
- Eaton K, Sallee FR, Sah R. Relevance of neuropeptide Y (NPY) in psychiatry. *Curr Top Med Chem* 2007; 7(17):1645-59.
- Frankish HM, Dryden S, Hopkins D, Wang Q, Williams G. Neuropeptide Y, the hypothalamus and diabetes: insight into the central control of metabolism. *Peptides* 1995; 16(4):757-71.
- Jones TE, Basilio JL, Brophy PM, McCammon MR, Hickner RC. Long-term exercise training in overweight adolescents improves plasma peptide YY and resistin. *Obesity (Silver Spring)* 2009; 17(6):1189-95.
- Kelly KR, Brooks LM, Solomon TP, Kashyap SR, O'Leary VB, Kirwan JP. The glucose-dependent insulinotropic polypeptide and glucose-stimulated insulin response to exercise training and diet in obesity. *Am J Physiol Endocrinol Metab* 2009; 296(6):E1269-74.
- Ghanbari Niaki A, Kookandeh NZ, Ahmadabad SR, Yazdani M. PYY(3-36) gene responses to treadmill running with or without Pistachio-Atlantica in female rats. *Iran J Health Physiol Act* 2012; 3(2):8-13.
- Rahmaninia F, Mirzaee B, Rahimi R. The effect of resistance exercise with different volume on PYY, NPY and insulin in overweight men. *Sport Physiol* 2011; 3(11):13-30.
- Broom DR, Batterham RL, King JA, Stensel DJ. Influence of resistance and aerobic exercise on hunger, circulating levels of acylated ghrelin and peptide YY in healthy males. *Am J Physiol Regul Integr Comp Physiol* 2009; 296(1):R29-35.
- Faraji H, Rahimi R, Dabbagh Nikookheslat S. Effect of an acute incremental exercise on plasma peptide YY, neuropeptide Y and IGF-1 concentrations in young athletes. *Ann Appl Sport Sci* 2014; 2(3):23-32.
- Larson-Meyer DE, Palm S, Bansal A, Austin KJ, Hart AM, Alexander BM. Influence of running and walking on hormonal regulators of appetite in women. *J Obes* 2012; 2012:730409.
- Ueda SY, Miyamoto T, Nakahara H, Shishido T, Usui T, Katsura Y, et al. Effects of exercise training on gut hormone levels after a single bout of exercise in middle-aged Japanese women. *Springerplus* 2013; 2(1):83.
- Russell M, Stark J, Nayak S, Miller KK, Herzog DB, Klibanski A, et al. Peptide YY in adolescent athletes with amenorrhea, eumenorrheic athletes and non-athletic controls. *Bone* 2009; 45(1):104-9.
- Wang J, Chen C, Wang RY. Influence of short-and long-term treadmill exercise on levels of gherlin, obestatin and NPY in plasma and brain extraction of obese rats. *Endocrine* 2008; 33(1):77-83.
- Brzycki M. Strength testing-predicting a one-rep max from reps-to-fatigue. *J Phys Educ Rec Dance* 1993; 64(1):88-90.
- Martins C, Morgan LM, Bloom SR, Robertson MD. Effects of exercise on gut peptides, energy intake and appetite. *J Endocrinol* 2007; 193(2):251-8

25. Ueda SY, Yoshikawa T, Katsura Y, Usui T, Fujimoto S. Comparable effects of moderate intensity exercise on changes in anorectic gut hormone levels and energy intake to high intensity exercise. *J Endocrinol* 2009; 203(3):357-64.
26. Ueda S, Yoshikawa T, Katsura Y, Usui T, Nakao H, Fujimoto S. Changes in gut hormone levels and negative energy balance during aerobic exercise in obese young males. *J Endocrinol* 2009; 201(1):151-9.
27. Hoseini R, Ghasemi F, Sayyah A, Rahmani Ghobadi M. The effects of circuit resistance training on plasma levels of peptide YY and Ghrelin in male athletes. *Tabari J Prev Med* 2015; 1(1):1-9 (Persian).
28. Coiro V, Casti A, Volta E, Melani A, Rubino P, Saccani-Jotti G, et al. Effect of physical training on reduction of circulating neuropeptide Y levels in elderly humans. *J Endocrinol Invest* 2010; 33(2):132-3.
29. Kokot F, Ficrk R. Effects of neuropeptide Y on appetite. *Min Electrolyte Metab* 1999; 25(4-6):303-5.
30. Smitka K, Papezova H, Vondra K, Hill M, Hainer V, Nedvidkova J. A higher response of plasma neuropeptide Y, growth hormone, leptin levels and extracellular glycerol levels in subcutaneous abdominal adipose tissue to Acipimox during exercise in patients with bulimia nervosa: single-blind, randomized, microdialysis study. *Nutr Metab* 2011; 8(1):81.
31. Zajadacz B, Skarpanska-Stejnborn A, Brzenczek-Owczarzak W, Juskiewicz A, Naczka M, Adach Z. The influence of physical exercise on alterations in concentrations of neuropeptide Y, leptin and other selected hormonal and metabolic parameters in sportspeople. *Biol Sport* 2009; 26(4):309-24.
32. Zukowska-Grojec Z. Neuropeptide Y: implication in vascular remodeling and novel therapeutics. *Drug New Perspect* 1997; 10(10):587-95.
33. Neary MT, Batterham RL. Peptide YY: food for thought. *Physiol Behav* 2009; 97(5):616-9.
34. Martins C, Robertson MD, Morgan LM. Effects of exercise and restrained eating behavior on appetite control. *Proc Nutri Soc.* 2008; 67(1):28-41.